

پیش‌خوانی

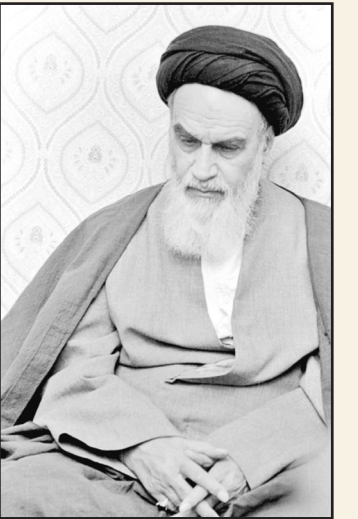
«تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی» در آئینه یک اثر پژوهشی نوانتشار

روایت بیدارگری

■ **محمد رضا کائینی**



بی‌تردید اندیشه و عمل امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، از جمله شاخص‌ترین مدخل‌ها به شناخت انقلاب اسلامی است. هم‌ا از این روی این مهم، در کانون توجه و البته پاره‌ای سوبه‌رداشت‌ها و تحریفات قرار دارد. این مقوله به دلیلی که بدان اشارت رفت، چندی است که به‌گونه‌ای جدی توسط محققان مورد بازخوانی قرار گرفته و در پی آن، آثاری نیز تولید شده است. اثر تاریخی- پژوهشی «تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی» در عداد این دست از تحقیقات است که توسط دکتر حسین احمدی تألیف گشته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز آن را منتشر ساخته است. مؤلف در دیباچه این کتاب، درباره اهمیت و محتوای پژوهش خویش، چنین آورده است: «بخش اول این نوشته در قالب سه فصل به بررسی ویژگی‌های مهم قیام این مرجع عالیقدر اختصاص یافته است و در این بخش تأثیر تربیت دینی و خصوصیات شخصیتی و عرفانی امام و نقش ایشان به‌عنوان یک احبار دینی مورد توجه قرار گرفته و کارکرد مبارزه و بنیانگذاری یک نظام سیاسی جدید بررسی شده است. بخش دوم تحقیق که با عنوان دامنه و گستره مبارزاتی امام در سه فصل ارائه شده، در واقع بیان‌کننده استراتژی مبارزاتی ایشان در یک فاصله زمانی از ابتدای ورود به میدان مبارزه تا تبعید به فرانسه است. گو اینکه در لابه‌لای سطور این بخش نیز از برخی تاکتیک‌ها و راهبردهای رهبری آن بزرگوار سخن به میان آمده است.بخش سوم نوشته نیز که در حقیقت هسته اصلی تحقیق را شامل می‌شود، در چهار فصل به توصیف، تبیین، تفسیر تاکتیک‌ها، راهکارها و راهبردهای مبارزاتی امام در چهار حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و عرصه نظامی پرداخته است. در پایان توجه و عنایت به چند نکته



ضرورت دارد:

الف) در گام اول باید اذعان کرد که سخن گفتن از شخصیتی بزرگ و الوامقامی، چون امام کاری دشوار است، زیرا نویسنده باید برای ترسیم زوایای مختلف شخصیت ایشان دارای فراست و دقت فراوان باشد. حال اگر بخواهیم از شیوه مبارزه و تاکتیک مبارزاتی او سخن بگوییم، کار مشکل تر خواهد شد، زیرا تحلیل و تفسیر اعمال و رفتار حضرت امام (ره) نیازمند احاطه و تسلط بر علوم مختلف انسانی است و باید اعتراف کرد که هنده شخصیتی و فکری و روحی ایشان معنای خاص و منحصر‌فرد دارد که طرح و بیان و تأویل آن آسان نخواهد بود.

ب) نگارنده، خود اولین منتقد خویش است، زیرا بر این باور است که این نوشته در حد توان علمی و بضاعت فعلی و فکری و یا فرصت و امکانات اندک تهیه و تدوین شده است، لذا می‌تواند در فرصت‌های آتی با توجه و دقت بیشتر به نوشته بهتری تبدیل شود.

ج) در این نوشته از آثار و منابع و مأخذ زیادی استفاده شده که متعلق به افراد و گروه‌های اجتماعی از طیف‌های مختلف فکری و سیاسی بوده است. نگارنده نیز از اطلاعات و تحلیل‌های آنان تنها بر مبنای اصول علمی و اسلوب نوشتاری بهره برده است. این سخن به معنای آن است که استفاده موردی از کتب و مقالاتی که در ارجاجات پابانی صفحه و کتابنامه از آنان نامی برده شده، به معنای تأیید تمام مطالب آن نوشته یا کتاب از سوی نگارنده این تحقیق نیست.

د) مخاطب نگارنده در این تحقیق همه گروه‌ها و اقبال اجتماعی بوده، لذا تا جایی که امکان دارد تلاش شده است نوشته نثری ساده و روان داشته باشد و از استعمال کلمات و واژگان اختصاصی و فرنگی خودداری شود تا همه کسانی که به امام خمینی (ره) و اندیشه و آرمان ایشان عشق می‌ورزند، بتوانند از آن بهره ببرند.»

■ **احمد رضا صدری**

در روزهایی که بر ما گذشت، اندیشمند پر تکاپو، زنده‌یاد آیت‌الله حاج‌شیخ محمدعلی تسخیری، روی از جهان بر گرفت و هوسیار ابدیت گشت. هم از این روی و در تکریم کارنامه پرپسار آن بزرگ، گفت‌وشنود ذیل با ایشان، با موضوع «شکل‌گیری تبلیغات دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی» را به شما تقدیم می‌کنیم. روح شاد.

■ ■ ■

با توجه به نقش جناب‌عالی در تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی، مناسب است که قدری درباره زمینه‌های شکل‌گیری این نهاد بفرمایید؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. قاعدتاً اطلاع دارید که در ابتدا، شورای عالی تبلیغات اسلامی تأسیس شد که پس از مدتی، به شکل شورای عالی سازمان تبلیغات اسلامی درآمد…

همان که در مدرسه عالی شهیدمطهری مستقر بود؟

آن شورای عالی اولیه بود. خیلی از اعضای آن شورا از علما و مخلصان بودند. برنامه‌ها، این‌نامه‌ها و زمینه‌های فعالیت آن شورا مشخص بود. من خاطرم است که در آن اوایل، در مجلس شورای اسلامی هیئتی برای تأسیس مجمع جهانی فقه اسلامی تشکیل شد. من در تأسیس آن دخالت داشتم. جایی نزدیک مکه به نام سخ است که محل درگیری بین حسین بن علی (از اخفاد امام حسن و هم‌اسم امام حسین (ع)) با زارش عباسیان است. در آن درگیری همه از بین رفتند، به جز یک نفر به نام ادريس بن عبدالله که فرار کرد و به شمال آفریقا رفت و در آنجا دولت شیعه معروف «در یسپان» را در قرن چهارم هجری تشکیل داد. این دولت خیلی قوی بود. از یک طرف علویان و آل بویه در ایران و عراق و از طرفی فاطمیون در مصر و همین ادریسان در مناطق شمال آفریقادولت شیعه تشکیل داده بودند. البته وقتی می‌گوییم شیعه، اعم از اثنی عشری و فرق دیگر است. مراعهه در شمال ایران حکومت داشتند. قرن چهارم، قرن حکومت شیعه در جهان اسلام بود. به هر حال، ما

«ناگفته‌ها و تحلیل‌هایی از شکل‌گیری تبلیغات دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی»

امروز قرآن پر فروش ترین کتاب در امریکاست! آنها با حر کتی جاهل اقدام به سوزاندن قرآن کردند، اما باز هم قرآن بیش از پیش، مورد اقبال و توجه مردم جهان قرار می‌گیرد. توان مبلغان ما هم خوب است. زمانی، با یکی از بزرگان یکی از مذاهب صحبت می‌کردم و ایشان می گفت شما دار ید ما را از بین می برید! گفتم چرا چنین فکری می‌کنید؟ گفت مبلغان شما قوی و مبلغان ما ضعیف هستند!



زنده‌یاد آیت‌الله محمدعلی تسخیری در یکی از اولین دیدارها با رهبر معظم انقلاب

من به آینده خوش بین هستم. درست است که فشارهایی وارد می‌شود، محاصره می‌کنند، تهمت می‌زنند، دروغ می‌گویند، حمله می‌کنند، اما با همه اینها، من مطمئنم که پیروزی با ماست. مادر ار نشی هستیم که فرماندهی قوی، مطلع و رؤف دارد. ضرباتی که دشمن به انقلاب زده، کمتر از ضرباتی است که از انقلاب خورده است. ما به خدا امید و مولاوولی داریم و این تفاوت ما با آنهاست

«ناگفته‌ها و تحلیل‌هایی از شکل‌گیری تبلیغات دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی»

در گفت‌وشنود با زنده‌یاد آیت‌الله محمدعلی تسخیری

جمهوری اسلامی با وفاداری به ولایت فقیه حتما پیروز است

مجمع جهانی فقه اسلامی را در همان منطقه تأسیس کردیم و رسماً از همه کشورهای اسلامی، نمایندگان عضوین مجمع بودند و فقه و مسائل گوناگون مربوط به امت اسلامی را هر سال بررسی می‌کردند. در تأسیس آن مجمع هم من دخالت داشتم. علاوه بر این در همان دوره، مجمع جهانی دیگری با همین کارکرد نیز بود که در آن تمامی فرق اسلامی اعم از شیعه و غیر شیعه هم بودند. خاطرم است که شورای عالی تبلیغات آن زمان، تصمیم گرفت که هیچ نماینده‌ای به آن مجمع نفرستد و دلایل هم این بود که این مجمع وهابی است و حضور ما در آن فایده‌ای ندارد. من از شورای عالی تبلیغات خواستم که نماینده‌ای اعزام کند تا ببیند حرف این مجمع چیست و ما هم حرفمان را بزنیم. بالاخره قرار شد نماینده‌ای از ایران نفرستند و به لطف خدا خیلی هم مشرمن بود. تا به حال بنده عضو آن مجمع جهانی هستم که تقریباً ۱۹ اجلاس جهانی برپا کرده است. در جلسات این مجمع، ما سعی کردیم تا تفکر و اندیشه شیعه و انقلاب اسلامی را مطرح و معرفی کنیم. اوایل، کار خیلی سخت بود ولی بعد بهتر شد. این موضوع تاریخ طولانی دارد. با ذکر این مطلب، می‌خواستم بگویم که شورای عالی تبلیغات خیلی فعالیت می‌کرد.

درباره دهه اول فعالیت سازمان تبلیغات اسلامی – که مصداق با حضور آیت‌الله احمد جنتی در آن به عنوان اولین رئیس بود– توضیح دهید.

حضرت آیت‌الله جنتی، اولین رئیس سازمان نبودند. اولین رئیس سازمان، شهیدحجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عباس شیرازی بود. من معاون بین‌الملل سازمان بودم. بعد از شهادت آقای شیرازی – که انصافاً مرد بزرگی بود– حضرت آیت‌الله جنتی رئیس سازمان شدند. بزرگانی با ایشان همکاری می‌کردند که خیلی از آنها شهید شدند و بعضی دیگر هم اکنون همکار ما در سازمان‌های دیگر هستند. به هر صورت، سازمان تبلیغات اسلامی با کم‌ترین امکانات، کارش را شروع کرد. شما ملاحظه بفرمایید که متلاکل سازمان تبلیغات، در یکی از مساختمان‌های آموزش‌پورورش در خیابان اکباتان خلاصه می‌شد! یک ساختمان بسیار



هر وسیله و حتی از اموال شخصی خودشان، هزینه می‌کردند تا کار پیش برود.

در دوره همکاری با آیت‌الله جنتی، منش شخصیتی و مدبریتی ایشان را چگونه دیدید؟

حضرت آیت‌الله جنتی هم واقعاً یک شخصیت ممتاز هستند. فردی وارسته با دید بلند سیاسی و اجتماعی و پیگیر و فعال که هیچ احساس سختگی نمی‌کند. من با ایشان، سفرهای متعددی به خارج از کشور رفتم.ام. در هر سفر، از کمالات و معنویات ایشان، بیشتر استفاده می‌کردم. از دوره ریاست ایشان در سازمان تبلیغات تا به حال، اجمالاً باید بگویم که ایمان، اخلاص، پیگیری، علو در معنویات، تواضع و اعراض از مال دنیا، از ویژگی‌های شاخص ایشان بوده و است. گاهی که مقداری اختلاف نظر داشتم، ایشان با بلندنظری مسائل را حل می‌کردند. آقای جنتی برای من و تا آخر عمرم، در حکم یک مربی است. یعنی برای من الگوی جالبی است. من برای مسیر خودم، از تعلیمات و منش آقای جنتی خیلی استفاده کردم.

عملکرد سازمان تبلیغات اسلامی را در معرفی انقلاب اسلامی در سطح جهان، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

معتقدم که ما هنوز، ابعاد علمی و فرهنگی انقلاب را خوب تبیین نکرده‌ایم. مناسفانه هنوز افرادی در جهان، حکومت‌های بی‌خاصیت عربی یا برخی از انقلاب‌های بی‌ارزش را با انقلاب اسلامی مقایسه می‌کنند! در حالی که این انقلاب، دارای ویژگی‌های عظیمی است که اگر خوب به چنان‌ایان عرضه شود، می‌تواند حرکت‌های بزرگی را بین توده‌ها به وجود بیاورد. زیر این حرکت، با انگیزه‌های الهی صورت گرفته است. این انقلاب، نقش بزرگ دین در تغییرات تاریخی را مشخص می‌کند و همه نظر به‌های مارکسیستی و لیبرالیستی را ابطال می‌کند. این انقلاب توسط مرجعیت شیعه و در رأس آنها حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) انجام گرفته است.

با توجه به شرایط اکنون جهان و نمایان شدن جلوه‌های بیداری اسلامی، بحث تقرب مذاهب جایگاه ویژه‌ای یافته است. ملل اسلامی نیز بیش از هر زمان دیگری، به ضرورت و آثار و برکات این امر واقف شده‌اند. در این زمینه در چه وضعیتی هستیم؟

اصولاً همه انسان‌ها به لحاظ فطرت، اینگونه خلق شده‌اند که زمینه‌های مشترک میان خود را بشناسند. همه ما باید تلاش کنیم در عمل و اجرا، همکاری مشترک داشته باشیم. طبیعی است که زمینه‌های اختلافی نیز، بین مذاهب موجود است، اما اگر این اختلاف نتیجه کفر و عناد نباشد، همه باید یکدیگر را معذور بدانیم. بر این اساس، می‌توانیم گفت‌وگوی بین مذاهب را پایه‌ریزی کنیم. تقرب، ترور و مغزشان را متلاشی کرده بودند! جرم این طلبه‌ها این بود که برای اسلام تبلیغ می‌کردند! منافقین اینها را به شهادت رسانده بودند. من هیچ وقت این صحنه‌ها را از یاد نمی‌برم. این خودش به ما روحیه می‌داد که با توان هر چه بیشتر برای تحقق اهداف بزرگ انقلاب فعالیت کنیم. امکانات کم بود، ولی همان کارهایی که در آن ۱۰ سال انجام گرفت، پایه حرکت بزرگ سازمان تبلیغات اسلامی را در سال‌های بعد تشکیل داد. کار در سازمان تبلیغات واقعاً مطلوبانه و البته امیدوار کننده بود! یادام است که افراد مختلفی، مانند حجت‌الاسلام معزی و حتی چند استاد دانشگاه با ما همکاری می‌کردند. با کمک همین دوستان بود که توانستیم در آن زمان، کارهای بزرگی را سامان بدهیم. من در زمان خودم، شاید نزدیک به ۱۵۰ تا ۲۰۰ عنوان کتاب به زبان‌های گوناگون دنیا منتشر کردم. حدود ۷۰۰ مدرسه را توانستیم در خارج از کشور راه‌اندازیم و در اجلاس‌های بزرگ جهانی حاضر شومیم و صدای جمهوری اسلامی را به دنیا برسانیم. آن ۱۰ سال در خاطر من، دوران بسیار شیرینی است.

راجع به دوره‌ای که مرحوم شیرازی رئیس سازمان بودند، توضیح بیشتری دهید.

آن زمان، عمده فعالیت سازمان تبلیغات اسلامی، اعزام روحانی به مناطق مختلف برای تبلیغ بود. آن طلبه‌هایی که گفتم مورد حمله منافقین قرار گرفته بودند، مبلغانی بودند که برای اسیران عراقی تبلیغ می‌کردند. منافقین در کمین آنها بودند و سه نفرشان را – که یکی از آنها که اتفاقاً پسر خاله من بود و نوه مرجع بزرگ جهان تشیع، مرحوم آیت‌الله العظمی سیدمحمد رضا گلریگانی – به شهادت رساندند. به هر حال، مرحوم شیرازی فرد بسیار دلسوز و فعالی به شمار می‌رفتند. چون هم در سپاه و هم در سازمان تبلیغات بودند. گاهی با ما نشین خودشان، از کردستان تا خوزستان را می‌رفتند تا وظیفه‌مشاران انجام دهند و در یکی از همین رفت و آمدها بود که تصادف کردند و سه رحمت خدا رفتند. هیچ ششماشتی به مال دنیا داشتند و منتظر امکانات هم نمی‌ماندند و با مدرسان حوزه پيامی دادند. سخنانی که امام در آن پیام می‌فرمایند، خیلی عجیب است. ایشان قفاهت را به فقه اصلاحی و فقه تام تقسیم می‌کنند. قفاهت تام می‌گوید که فقیه باید نظریه‌های سیاسی رایج جهان را بداند، حتی سیاستمداران را بشناسد یعنی اگر روانشناسی سیاستمداران را نداند، بشر کلاه رفته است. باید بینش اقتصادی داشته باشد. این بینش، یعنی مسیر و هدف. توجه به این نکات بسیار مهم است.

با توجه به اینکه شما از آغاز، در این باره دغدغه داشته‌اید، آثاری هم در این موضوعات به رشته تحریر آورده‌اید.

در این باره مقداری توضیح دهید؟

من ابتدا چه در نجف، چه در ایران و چه در قم مقاله می‌نوشتم. اولین کتابی که شروع به تألیف کردم، پیرامون «ویژگی‌های اسلام در آینده» بود. بعد از آن تألیف تفسیری از قرآن مجید را با همکاری

جناب آقای نعمانی شروع کردم و حدود ۳۰ سال طول کشید تا کامل شد. بعد از آن، کتابی در رابطه با اقتصاد اسلامی تدوین کردم که براساس افکار شهید آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر تحلیل شده است. در رابطه با قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز کتابی نوشتم. کتاب‌هایی به عنوان گزارش سفرهای گوناگون به اطراف جهان و همچنین یک مجموعه شش جلدی از فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در مجمع فقه اسلامی جده، به نگارش در آوردم. به نظر بیش از ۵۰ جلد اثر تألیفی دارم که تقریباً نیمی از آن البته با همکاری محققان مختلف چاپ شده است. از جمله کتاب‌هایی که تحت‌نظارت من منتشر شده، کتاب قواعد اصولی و فقهی نزد شیعه است که تاکنون کتابی به این شکل تألیف نشده و قرار است مقدمه‌ای برای نوشتن داترالمعارف فقهی –اصولی بین مذاهب بشود و مجمع فقه اسلامی جهانی در جده آن را منتشر کند. در زمینه ترجمه، ۱۵ اثر دارم که اکثر آنها از مرحوم شهیدمطهری، آقای مصباح یزدی یا دیگران است که از فارسی به عربی ترجمه کردم. البته درباره موضوعات زیاد دیگری، از جمله مسائل گوناگون حقوقی و سیاسی، تألیف و ترجمه داشته‌ام که به شکل جزوه است. نه کتاب. حدود ۴۵۰ مقاله در مقاطع گوناگون، برای کنفرانس‌های جهانی تهیه کردم که اکثر آن در مجلات و به زبان‌های رایج، در اطراف و اکناف جهان منتشر شده است.

پیشینه جناب‌عالی و همچنین اکنون شما، حاکی از آن است که یک شخصیت فرهنگی هستید. شرایط فرهنگی کشور را در آینده چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من به آینده انقلاب، خیلی خوش بین هستم، زیرا امروز انقلاب اسلامی ایران، با فطرت انسان‌ها رابطه برقرار کرده است. وقتی چنین ارتباطی وجود داشته باشد، این جریان، جهان‌گستر می‌شود و در یک محدوده جغرافیایی منحصر نمی‌شود. مخاطب آن، دیگر نوع بشر است. اگر انقلاب اسلامی موضوع گفت‌ووی بین فرهنگ‌ها و ادیان جهان و مذاهب اسلامی را مطرح کرده است، در حقیقت دارد بر مبنای گرایش فطری انسان پیش می‌رود. می‌گویند انسان، جاندار متفکر یا جاندار اجتماعی است، اما من می‌گویم انسان یک جاندار گفت‌وگوکننده است. یک انسان وقتی به انسان دیگری می‌رسد، به‌عنوان اولین واکنش، سعی می‌کند آنچه را در ذهنش است، به دیگری منتقل کند، چه از راه زبان و چه با ایماء و اشاره. بعداً اینها ممکن است به یک مساحت مشترک برسند. انقلاب اسلامی بر مبنای قرآن کریم است و قرآن هم، کتاب گفت‌وگو است. این گفت‌وگو هیچ محدودیتی هم ندارد. حتی ممکن است یک طرفش خدا باشد و یک طرفش شیطان! یک طرفش اهل دین و یک طرفش کفار! البته قرآن کریم برای گفت‌وگو شرایطی دارد. پیام انقلاب، یک پیام بزرگ است. همین که اسلام را مطرح می‌کند و قرآن کریم را مبنای حرکت قرار می‌دهد، بسیار مهم است. تاکنون دشمنان اسلام هر چه تلاش کرده‌اند نور قرآن را خاموش کنند، نتوانسته‌اند. امروز در آخرین خبرهایی که منتشر شده قرآن پر فروش ترین کتاب در امریکاست! آنها با هر حرکتی جاهل اقدام به سوزاندن قرآن کردند، اما باز هم قرآن بیش از پیش، مورد اقبال و توجه مردم جهان قرار می‌گیرد. بی‌شک انقلاب و پیام‌های آن، روزه‌پرواز پیش می‌رود و حتماً پیروز است. شعارهای این انقلاب، خیلی مهم و بزرگ است. توان مبلغان ما هم خوب است. من یادم است که زمانی با یکی از بزرگان یکی از مذاهب صحبت می‌کردم و ایشان می‌گفت: شما دارم را از بین می‌برید! گفتیم: چرا چنین فکری می‌کنید؟ گفت: مبلغان ما ضعیف و فقیرند. مبلغان ما ضعیف هستند! این تقصیر ما نیست که مبلغان ما قوی هستند، شما باید خودتان را قوی کنید. ما هم وظیفه داریم مبلغ اسلام و دیدگاه اهل بیت(ع) باشیم.

و کلام آخر؟

همان که گفتم، من به آینده خوش بین هستم. درست است که فشارهایی وارد می‌شود، محاصره می‌کنند، تهمت می‌زنند، دروغ می‌گویند، حمله می‌کنند، اما با همه اینها، من مطمئنم که پیروزی با ماست. خیلی امیدوارم این انقلاب، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج) باشد. من خیلی امیدوارم و آرزومند که مبلغان ما، امیدشان را از دست ندهند و مقاومت کنند. قرآن کریم در آیهای می‌فرماید: اگر شما ضربه می‌بینید، دشمن هم ضربه می‌بیند. ضرباتی که دشمن به انقلاب زده، کمتر از ضرباتی است که از انقلاب خورده است. انقار ما با آنهاست، زیرا ما به خدا امید داریم و مولا و ولی داریم، ما در ار نشی هستیم که فرماندهی قوی، مطلع و رؤف دار، بنابراین نباید ضعیفی نشان بدهیم. برای رسیدن به هدف بزرگی که برای آن انقلاب کردیم، ضربه خوردن طبیعی است. امیدوارم مبلغان ما دائماً این روحیه را داشته باشند و ارتباط با خدا را همواره احساس کنند. آینده از آن ماست. به یاد دارید که حضرت امام چقدر مطمئن بودند. در او ان انقلاب، امام دائم می‌فرمودند: اسلام دنیا را فرا خواهد گرفت. ایشان همواره به افراد و شخصیت‌ها و چهره‌های مختلف توصیه می‌کردند که در کنسار ملت قرار بگیرند. امام با جوانان پاکستانی می‌فرماید: آینده مال شمامست و با بسیج همه امکانات، در راه اسلام فعالیت کنید. من از عمق وجود معتقدم که جمهوری اسلامی اگر به اصول خود متعهد بماند، مخصوصاً به اصل ولایت فقیه، در این مسیر حتماً پیروز است. این مسئله‌تر آن است که حوزه‌های علمیه، فعالانه در جامعه حضور داشته باشند. خوشبختانه نهادی مانند سازمان تبلیغات اسلامی زمینه‌ساز این حضور را در جامعه فراهم کرده‌اند و لازم است حوزه‌ها از این امکانات و فرصت‌ها، نهایت بهره را ببرند و با جامعه در تماس مستقیم باشند.